

اندر باب کنگره دهم سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

## تنوع نظری یا آشفته‌گی سیاسی

احمد آزاد

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت طی اطلاعیه ای خبر از برگزاری کنگره دهم این سازمان در روزهای ۱۹ تا ۲۲ بهمن سال جاری میدهد. در فاصله پنج سال گذشته این سازمان دو کنگره عادی و دو کنگره فوق‌العاده برگزار کرده است. برگزاری کنگره‌های پی‌درپی قبل از هر چیز نشان از بحران درونی دارد. تاثیر تحولات ایران و جهان در دو دهه گذشته در درون سازمان اکثریت و بویژه تحولات چند ساله اخیر به رشد اختلافات درونی دامن زده و برگزاری کنگره‌های فوق‌العاده را ناگزیر کرده است.

کنگره هفتم این سازمان، که در بهار سال ۱۳۸۱ شمسی برگزار شد، را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ سازمان اکثریت به حساب آورد. در این کنگره برای اولین بار ظاهراً سیاست حمایت از جناح‌های حکومت کنار گذاشته شد و سندی توسط کمیسیون منتخب کنگره به تصویب رسید که ضمن طرح مرزبندی روشن با اصلاح‌طلبان حکومتی، خواهان استقرار جمهوری دمکراتیک، لائیک و اصل جدایی دین از دولت بود. به این ترتیب به سلطه بیش از دو دهه سیاست «نگاه به بالا» و انتظار استحاله رژیم از درون و به قولی «مبارزه برای اصلاح سیاست و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، با همکاری جناح‌های درونی آن» خاتمه داده شد و تلاش برای پیشبرد سیاست برکناری حکومت اسلامی و استقرار یک حکومت دمکراتیک و لائیک پیشی گرفت.

اما علیرغم تصویب این سند، رهبری اکثریت نتوانست سیاست‌های خود را با این سند منطبق کند و به تدریج موضعگیری‌ها به همان سیاق سابق ادامه یافت تا جایی که در زمستان ۱۳۸۱ شورای مرکزی این سازمان اعلام کرد که در انتخابات «شوراهای شهر و روستا» شرکت خواهد کرد. این تجربه نشان داد که تنها تصویب یک سند سیاسی، برای تغییر سیاست کافی نیست و خط مشی سیاسی قدیمی جان سخت تر از آن است که با یک سند سیاسی از صحنه خارج شود.

این وضعیت اما بحران درونی سازمان اکثریت را تشدید کرد و کنگره فوق‌العاده مهرماه ۱۳۸۲ برای پاسخگویی به این بحران تشکیل شد. از پیش روشن بود که این کنگره فوق‌العاده صحنه درگیری طرفداران سیاست پیگیری تحولات از درون حکومت اسلامی و طرفداران سیاست برکناری رژیم و استقرار یک جمهوری دمکراتیک و لائیک است. در واقع این کنگره می‌بایست کاری را که در کنگره هفتم آغاز شده بود، تکمیل و چرخش سیاسی سازمان اکثریت را تثبیت می‌کرد. شرایط سیاسی جامعه و شکست کامل اصلاح طلبان در پیشبرد برنامه‌های خود نیز عامل مهمی در گرایش اکثریت اعضاء شرکت کننده در کنگره به تغییر سیاست بود. سند نهایی این بار با تغییراتی و با تاکید بیشتر بر لزوم نفی کل حکومت جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت جمهوری دمکراتیک، سکولار و فدرال به تصویب رسید. تصویب این سند تقریباً نقطه پایانی بود بر تلاش‌های گرایش «امکان تحول از درون

رژیم» در حفظ سیاست‌های گذشته و کنترل رهبری این سازمان. کنگره نهم دو سال بعد تغییری در این جهت گیری سیاسی نداد و سند نهایی که تنها چارچوب آن به تصویب رسید و بعداً توسط کمیسیونی تکمیل و منتشر شد، تقریباً در همان چارچوب سند کنگره فوق‌العاده باقی مانده بود. اما این بار اختلافات دیگری بروز کرد.

از زمان کنگره فوق‌العاده هفتم گرایش دیگری در درون اکثریت در حال شکلگیری بود که نگاه متفاوتی نسبت به رابطه با قدرت های جهانی، نقش و جایگاه سرمایه‌داری در توسعه جامعه ایران داشت و تمایل متفاوتی در عرصه اتحادهای سیاسی از خود نشان می‌داد. در جریان کنگره هفتم این گرایش با گرایش غالب همراه شد و گرایش طرفداران «تحول رژیم از درون» را به اقلیت مطلق کشاند. اما پس از این کنگره و بویژه پس از کنگره نهم، در تلاش برای پیشبرد سیاست‌های خود، حرکت‌های مستقلی را آغاز کرد. انتشار مقالاتی در توضیح نگرش خود، ملاقات و صرف چلوکباب «سلطانی» با رضا پهلوی و نمایندگان سلطنت طلبان، شرکت در کنفرانس‌های برلین و لندن و غیره، به تدریج به این گرایش در سازمان اکثریت چهره مشخصی داد. تا جائیکه شورای مرکزی ناگزیر در مقابل انتقادات شدید از چپ و راست، از این گرایش اعلام براءت کرد.

این بار نیز چون سه سال قبل رفتارهای گرایش‌های مختلف سازمان اکثریت، همخوانی با اسناد سیاسی مصوبه کنگره نداشتند و بحران درونی مجدداً سرپاز کرد و طبعاً برگزاری کنگره فوق‌العاده دیگری را در دستور کار قرار داد، که قرار است در چند هفته آتی برگزار شود.

نگاهی به اسناد منتشر شده در رابطه با این کنگره نشان میدهد که این بار دو گرایش سیاسی، یعنی گرایش غالب در دو کنگره قبلی که خواهان استقرار یک جمهوری دمکراتیک، لائیک و فدرال می‌باشد از یک سو و گرایش طرفدار همکاری با سلطنت‌طلبان، با شعار استقرار دمکراسی و حقوق بشر، بدون تاکید بر نوع خاصی از حکومت جانشین، از سوی دیگر به رویارویی با یکدیگر پرداخته‌اند. در کنار این دو گرایش، گرایش دیگری، با رد سوسیالیسم و پذیرش سرمایه‌داری به عنوان راه رشد جامعه ایران، نیز تلاش می‌کند تا در بین دعوای این کنگره جایی برای خود باز کند. در این اسناد نشانی از تلاش گرایش اول که در پی «تحول از درون رژیم» بود، نیست و چنین به نظر می‌رسد که شرایط در حال حاضر برای ورود این گرایش به صحنه درگیری‌های درونی اکثریت مناسب نیست.

\* \* \* \* \*

پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران»، که در دهه چهل شمسی با هدف سازماندهی مبارزه مسلحانه علیه رژیم سلطنتی پهلوی شکل گرفته بود، با روی‌آوری وسیع فعالین و هواداران جنبش چپ ایران روبرو شد و در فاصله بسیار کوتاهی به بزرگترین سازمان چپ پس از انقلاب تبدیل گردید. تحولات جامعه و پشت سر گذاشتن یک انقلاب طبعاً نمی‌توانست در خط‌مشی و برنامه‌های این سازمان بی‌تاثیر باشد. سازمانی که برای مبارزه مسلحانه با رژیم دیکتاتوری شکل‌گرفته بود، اکنون می‌بایست خود را با شرایط جدید تطبیق می‌داد. حاصل این تطبیق‌پذیری رشد گرایش‌های گوناگون و گاه متضاد در صفوف سازمان واحد شد که انشعابات را بدنبال داشت.

بعد از آخرین انشعاب در پائیز ۱۳۶۰، سازمان اکثریت کم و بیش یک خط مشی سیاسی واحد و یک‌دستی را دنبال می‌کرد. از بین رفتن گرایش‌های درونی متضاد و پیگیری یک خط‌مشی سیاسی ثابت برای مدتی، اجازه داد تا سازمان اکثریت همچون یک حزب سیاسی جایگاه معینی در بین سازمانها و احزاب بیرون از حکومت پیدا کند. اما تحولات جهانی و بویژه درون ایران، شکست خط‌مشی سیاسی و بویژه

به نظر ما ارزش‌های سوسیالیستی در بطن جامعه سرمایه‌داری شکل می‌گیرد و سوسیالیسم می‌تواند بر پایه آن‌ها گسترش یابد. ما مبارزه برای تحقق این ارزش‌ها را نه کار فردا، بلکه وظیفه امروز می‌دانیم. تحقق ارزش‌های سوسیالیستی علاوه بر مبارزه سیاسی، به کار فکری - فرهنگی مداوم و دراز مدت و به نهادسازی نیاز دارد..... طرح تدقیق و تکمیل شده‌ی سند آماجها و دیدگاه‌های سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - بهروز خلیق

«جهانی شدن امری اجتناب‌ناپذیر بوده و در ادامه روند تکاملی جوامع بشری می‌باشد. طی این پروسه تقسیم جغرافیایی مجدد در تولید، بازار کار، مصرف و سرمایه‌گذاری در بعد اقتصاد جهانی صورت گرفته و گسترش خواهد یافت. در این راستا، سرمایه‌گذاری در کشورهای پیرامونی و مبادلات اقتصاد جهانی افزایش خواهد یافت. در این راستا فرصت‌ها و امکانات وسیعی در سطح جهان بوجود آمده است. و هر آن کشوری که نتواند و یا نخواهد از این امکانات گسترده استفاده نماید از دایره تحولات قابل پیش‌بینی آینده جدا مانده و زیان جبران ناپذیری را متحمل خواهد شد..... ما ضمن باور به اینکه سرمایه داری پایان تاریخ نیست، بر این نظر هستیم که مدل رشد اقتصادی کشور، نظام سرمایه داری است. ما بعنوان یک نیروی چپ و دمکرات در چهارچوب این نظام، با تأکید بر ارزش‌های سوسیالیستی و استقرار و نهادینه کردن دمکراسی، برای تامین حقوق زحمتکشان، توزیع عادلانه ثروت و در راه بالا بردن سطح رفاه اجتماعی مبارزه مبارزه می‌کنیم.....» چند تز استراتژیک (دیدگاهی - برنامه ای) - ماشالله سلیمی و منوچهر مقصدونیا

«سوسیالیسم آرمان والای ما و در برگیرنده‌ی آماج‌ها و ارزش‌های ما هست. سوسیالیسم برای ما جنبشی است علیه بهره‌کشی انسان از انسان، علیه هر نوع اختناق، علیه نابرابری‌های اجتماعی، علیه غارت طبیعت، برای حفظ و توسعه‌ی فرهنگ انسانی، برای پیش‌برد حقوق بشر، برای جامعه‌ای، که در آن شهروندان امور خود را دمکراتیک سامان می‌دهند.....»

سوسیالیسم برای ما نه یک غایت تاریخی، بلکه هدفی ناگزیر برای گذر از مناسبات سرمایه‌مدار به مناسبات انسان‌مدار است. به نظر ما ارزش‌های سوسیالیستی در بطن جامعه سرمایه‌داری شکل می‌گیرند و پایه گسترش سوسیالیسم را فراهم می‌آورند. ما مبارزه برای تحقق این ارزش‌ها را نه کار فردا، بلکه وظیفه امروز می‌دانیم..... پیش‌نهادهای بر سند دیدگاه‌ها و آماج‌های سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - احمد فرهادی

#### - اسناد سیاسی - برنامه ای

«برکناری این رژیم ایدئولوژیک، مستبد و خشن و استقرار دمکراسی در ایران، از عهده هیچ یک از اپوزیسیون به تنهایی بر نمی‌آید. در این راستا، ائتلاف و یا اتحاد تمامی اپوزیسیون مترقی و دمکرات جهت برکناری رژیم و استقرار دمکراسی در کشور، شرط ضروری پیروزی اپوزیسیون مترقی و دمکرات علیه ارتجاع حاکم است. - از این رو ما برای شکل‌گیری نهاد ملی با شرکت وسیعترین نیروهای اپوزیسیون دمکرات بر مبنای دمکراسی، منشور جهانی حقوق بشر و ضمایم پیوست جهت بکارگیری موثرتر امکانات داخلی و بین‌المللی در مبارزه علیه رژیم تأکید و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم..... ما با تأکید بر شعارهای فراندوم، تشکیل مجلس موسسان، تغییر قانون اساسی و تعیین نوع حکومت جایگزین می‌کوشیم حمایت بین

آخرین آن، حمایت از اصلاح طلبان حکومتی و تلاش در ایجاد تحول دمکراتیک از درون رژیم، عملاً پس از بیست سال مجدداً بحران درونی اکثریت را دامن زد و پس از کنگره ششم گرایش‌های مختلف تلاش کردند تا در مبارزه‌ای درونی سکان رهبری سازمان اکثریت را بدست گیرند.

تفاوت این دوره با سالهای اولیه انقلاب در نوع نگاه به «انشعاب» و تمایل عمومی به پرهیز از انشعاب بود. گرایش‌های موجود علیرغم اختلافات جدی و مبارزه دائمی با یکدیگر، اما همزمان تلاش می‌کردند تا خود را در ظرف «اکثریت» حفظ کنند. به این ترتیب در طول چند سال اخیر نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز بین نظرات متضاد در درون سازمان اکثریت شکل گرفت که بطور همزمان هر گرایشی تلاش مستقل برای پیشبرد خطمشی سیاسی خود را دنبال می‌کرد. به این ترتیب سازمان اکثریت پس از بیش از دو دهه، سیمای یک حزب با برنامه و خطمشی سیاسی معین را از دست داد و به ملغمه‌ای از گرایش‌های سیاسی متناقض تبدیل شد.

چند نمونه از دیدگاه‌های گوناگون و متضاد برگرفته از اسناد پیشنهادی منتشر شده در سایت «کار آن لاین»، ذیلاً آورده می‌شود:

#### - اسناد دیدگاهی :

«سوسیالیسمی که با برنامه‌ریزی متمرکز و با ایفای نقش دولتی بخواد ابزارهای اساسی تولید را در حیطه کنترل خود در آورد و مالک قانونی آن شود، بدون تردید مانع توسعه‌یافتگی کشور خواهد شد و شهروندان را محصور در ساختاری بسته خواهد ساخت. در جهان ما این مدل برای همیشه شکست خورده است..... به اعتقاد من، تأمین اهداف بلندمدت توسعه مستلزم ارتقای نظام کارفرمایی و افزایش مشارکت اقتصادی، اجتماعی در اقصی نقاط کشور است. تأکید بر اقتصاد بازار و آمیختن منطقی و منصفانه آن با برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی عدالت‌محور می‌تواند جامعه و کشور را در برقراری توسعه و توازن، بویژه تعمیق و اجرای عملی عدالت اجتماعی واقعی و ایجاد فرصت‌های شغلی یاری دهد. این سیاست زمینه‌ساز ثبات و سلامت اقتصادی و عامل مهمی در کاهش فقر در ایران فردا خواهد بود.....» تأملی بر مبارزه طبقاتی، نگاهی به عدالت اجتماعی - دانش باقرپور

«پرنسپ‌های ما در برخورد با دو فرایند متضاد جهانی شدن و جهانی سازی سرمایه داری

دفاع از صلح، سوسیالیسم، دموکراسی مشارکتی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و برابری، توسعه پایدار و انسانی، حفظ محیط زیست، بریدن استثمار، تحدید مالکیت خصوصی، برقراری مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید، ارتقاء همبستگی خلقها و احیاء انترناسیونالیسم پرولتری..... ما به مثابه جریان پیرو سوسیالیسم علمی در فرآیند جهانی شدن از ارزش‌های دموکراتیک و سوسیالیستی دفاع می‌کنیم و متعهد به مبارزه و افشای پروژه جهانی سازی سرمایه دارانه می‌باشیم.....» فرایند جهانی شدن و پروژه جهانی سازی - جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

«ما در راه تحقق ارزش‌هایی که برشمرديم پیکار می‌کنیم و سوسیالیسم را به عنوان آرمان والای خود که تجسم چنین ارزش‌ها و تمایلات انسانی است، می‌دانیم. به نظر ما سرمایه‌داری سرچشمه ستم طبقاتی، بی‌عدالتی، بهره‌وری غارتگرانه از طبیعت، جنگ و بیکاری توده‌ای و منشأ بسیاری از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی است.....»

المللی را از این شعارها جلب کنیم.....» برای استقرار جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال به جای جمهوری اسلامی - ماشالله سلیمی و منوچهر مقصدونیا

« از آنجایی که صف‌آرایی سیاسی در جامعه دستخوش دگرگونی قرار گرفته است، به ناچار برخی تغییرات ضرور را با خود به دنبال آورده است. یکی از این مسائل بازنگری و خالص‌سازی در سیاست اتحادها است. جنبش ما اکنون به نقطه مرکزی تصمیم‌گیری حول یک ائتلاف گسترده نزدیک شده است. از این رو وضعیت خطیر کشور از ما طلب می‌کند که تنگ‌نظری‌ها را وانهیم و اولویت یک ائتلاف گسترده را حول «دموکراسی و حقوق بشر» در دستور بگذاریم.» تزهایی پیرامون وضعیت سیاسی کشور بعد از انتخابات دور نهم ریاست جمهوری - دانش باقرپور

« هدف راهبردی ما استقرار یک جمهوری پارلمانی دموکراتیک، سکولار و فدرال بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های الحاقی آن در ایران است که شرط ضرور برای تحقق آن در کنار تلاش دائمی ما برای اشاعه فرهنگ و اندیشه دموکراتیک و ساختن نهادهای مدنی، برکناری جمهوری اسلامی به مثابه مانع اصلی برقراری دموکراسی در کشور است. مشی و راهکارهای سیاسی ما با این هدف تبیین می‌شود و در خدمت آن قرار دارد. ....»

مبارزه ما علیه جمهوری اسلامی متوجه نقد مواضع هر جریان‌ی خواهد بود که به هر شکل خواهان حفظ، ترمیم و یا بازتولید حکومت دینی است. در این راستا، ما بر نقد پیگیر تجربه دوم خرداد، مخالفت با تلاش‌های ناظر بر تداوم و بازآفرینی مشی استقرار دموکراسی در چارچوب قانون اساسی موجود و مرزبندی با ایجاد جبهه ملتزم به قانون اساسی تاکید داریم. ....»

تلاش برای نزدیکی نیروهای جمهوری خواه دموکرات و سکولار، اتحاد وسیع این نیروها و تقویت نقش آنان به عنوان بدیل حکومت اسلامی در مرکز ثقل سیاست ما قرار دارد. در این تلاش، ما برای تأمین هم‌پیوندی بین جمهوری خواهان دموکرات و سکولار جایگاه مقدم قائلیم. ما بر مرز روشن این اتحاد با مشروطه‌طلبان سلطنتی و دینی تصریح داریم. تقویت نقش جمهوری خواهان نیازمند ارایه گفت‌وگوهای مستقل این نیرو و تثبیت آن در سطح جامعه است. ....» برای استقرار جمهوری ایران به جای جمهوری اسلامی - فرود سیاوش پور

« تلاش برای نزدیکی و همکاری نیروهای جمهوری خواه دموکرات و سکولار، اتحاد وسیع این نیروها و تقویت نقش آنان به عنوان بدیل جمهوری اسلامی در مرکز ثقل سیاست ما قرار دارد. ما بر هم‌پیوندی بین نیروهای چپ دموکرات، دموکرات‌های عدالت خواه و لیبرال دموکرات‌های جمهوری خواه و سکولار جایگاه مقدم قائلیم. ما بر مرز روشن ارزشها و اهداف برنامه‌ای و استراتژیک خود با لیبرال دموکرات‌های جمهوری خواه و مشروطه طلب و مشروطه خواهان جمهوری اسلامی تاکید داریم. تقویت نقش جمهوری خواهان نیازمند ارایه گفت‌وگوهای مستقل این نیرو و تثبیت آن در سطح جامعه است. پاسخگویی به این ضرورت با مشارکت عمومی روشنفکران وابسته به این نیروی اجتماعی و همکاری همه نیروهای جمهوری خواه برای ترویج آن در سطح جامعه عملی است.» اوضاع سیاسی کشور و سیاست‌های ما - بهروز خلیق

آنچه در بالا آمد اندکی از تنوع نظری، برنامه‌ای و سیاسی در بین اسناد ارائه شده به کنگره آتی است. باید توجه داشت که در این اسناد جای

گرایش « تحول رژیم از درون » خالی است و همانگونه که قبلاً گفتم فعلاً این گرایش سکوت اختیار کرده است. با نگاهی ساده به این اسناد می‌توان از نظراتی نمونه‌برداری کرد که کاملاً متضاد یکدیگرند. از نظری که معتقد است سوسیالیسم شکست خورده و راه رستگاری تنها از مسیر سرمایه می‌گذرد و در تلاش دادن سیمای انسانی به سرمایه‌داری است تا نیرویی که نظام سرمایه‌داری را عامل استثمار، فقر، فلاکت، جنگ و تمامی نابسامانی‌های بشر دانسته و تنها راه ممکن را در استقرار سوسیالیسم می‌بیند. نظر دیگری هم هست که سرمایه‌داری را پایان جهان نمی‌داند ولی فعلاً با توجه به تحولات جهان و روند جهانی شدن سرمایه و امتیازات عظیمی !!! که از این راه نصیب مردمان جهان ناپیشرفته می‌شود، توصیه می‌کند که تا فرصت باقی است باید سوار درشکه سرمایه‌داری جهانی شد، شاید از خردوریز خوان بزرگان چیزی هم نصیب مردمان بی‌چیز شود. پس راه رشدی که برای ایران توصیه می‌کند راه رشد سرمایه‌داری است و طبعاً بهبود رابطه با قدرتهای سرمایه‌دار جهانی....» در « بازار مکاره » اکثریت همه جور سیاستی می‌توان یافت.

در این اسناد دیدگاهی با شعار اتحاد همه پیرامون استقرار « دموکراسی و حقوق بشر » می‌کوشد تا اتحاد با سلطنت‌طلبان را تئوریزه کند و دیدگاه دیگری به شدت با چنین اتحادهایی مخالف است و هرگونه نزدیکی با سلطنت‌طلبان و مشروطه طلبان دینی را به نفع شکل‌گیری جنبش مستقل جمهوری خواهی نمی‌بیند.

مستقل از درستی یا نادرستی این نظرات از زوایای گوناگون، مسئله اصلی در چگونگی همزیستی این نظرات متناقض و پراکنده در دل یک سازمان سیاسی واحد است. با فرض این که در کنگره آتی یک گرایش اکثریت را بدست می‌آورد و گرایش‌های دیگری در اقلیت قرار می‌گیرند. در این صورت سه احتمال وجود دارد:

- ۱- گرایش‌های اقلیت عامدانه با نقد دائمی سیاست‌های اکثریت، عملاً چوب لای چرخ اجرای سیاست‌ها گذاشته و فضای درونی سازمان را متشنج کنند.
- ۲- گرایش‌های اقلیت سکوت اختیار کرده و منتظر می‌شوند تا روند حوادث شرایط را برای برآمد آنها آماده کند.
- ۳- گرایش‌های اقلیت بی‌توجه به سیاست‌های مصوبه کنگره، مستقل سیاست‌های خود را هرکجا که امکان داشت پیش می‌برند.

در چند سال گذشته گرایش‌های سازمان اکثریت بیشتر با تلاش در حفظ این سازمان به مثابه یک « ظرف »، راه حل سوم را برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی خود بکار گرفته‌اند. بحران کنونی و کنگره فوق‌العاده نیز ناشی از این مسئله است. پرسش بعدی این است که تا چه مدت دیگر این همزیستی مسالمت آمیز قرار است ادامه یابد و اصولاً فایده آن چیست؟ ممکن است از این سوال بوی انشعاب یا تشویق به انشعاب به مشام رسد. ولی واقعیت این است که « انشعاب » عمدتاً در مقابل « وحدت » بکار برده می‌شود. آیا با توجه به گرایش‌های متضاد در درون سازمان اکثریت، می‌توان از وحدت سازمانی در اکثریت نشانی یافت تا بر اساس آن از انشعاب هراسید؟ آیا بین دیدگاهی که سرمایه‌داری را راه رستگاری بشریت می‌شناسد و آن دیگری که در پی نابودی سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم است، وحدت سیاسی - تشکیلاتی توان یافت؟ یا بین آن گرایشی که در پی وحدت با سلطنت‌طلبان و از این مفر جلب حمایت قدرتهای جهانی برای تغییر حکومت در ایران است، با آن گرایشی که در پی شکل‌گیری جنبش جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک و مستقل از قدرتهای جهانی است، یا آن دیگری که در پی جبهه متحد با اصلاح‌طلبان حکومتی است، چه سنخیت سیاسی

برنامه ای مبتنی بر عدالت اجتماعی، و تلاش برای پیوند با طبقات و اقشار زحمتکش را- که شرط مقدم آن دفاع از مطالبات و خواسته های معیشتی و صنفی آنهاست- جزو وظایف خود دانسته و اتخاذ تدابیر ضرور و مناسب برای غلبه بر پراکندگی نیروی چپ را در جهت تحقق این رویکرد می دانیم. در این راستا بر لزوم همکاری های سازمان ما و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در همی عرصه ها با امید دستیابی به وحدت، تأکید داریم» *فرود سیوش پور*

«تعریف سازمان ما از وحدت یکی شدن بافت تشکیلاتی سازمان با سازمان های هم شکل و هم مرام است. سازمان در نتیجه برای رسیدن به وحدت تمامی نیروهای چپ و برابری خواه که بر ضد هر نوع استبداد سیاسی و ایدئولوژیک در ایران می کوشند، می باشد. طیف های فدایی که از ایدئولوژی استبدادی و بسته کنده شده و به دمکراسی درون سازمانی و روش های متمدنانه مبارزه روی آورده اند در الویت امر وحدت با سازمان ما هستند. در حال حاضر سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران بیشترین نزدیکی برنامه ای و سیاسی را با سازمان ما دارد.» *علی اکبر آزاد*

مستقل از بحث حول «حزب فراگیر چپ» و چند و چون آن و تفاوت آن با «اتحاد چپ» و پذیرش پلورالیسم در چپ، (که در جای خود باید به آن پرداخت) پرسشی که در مقابل این تمایل شدید رفقای اکثریتی می توان قرار داد این است: اکثریت که خود فاقد انسجام سیاسی درونی است، چگونه می خواهد با دیگران وحدت کند و دیگران قرار است با کدام سازمان اکثریت وحدت کنند؟ سازمان اکثریتی که معتقد به امحاء سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم در ایران است یا سازمان اکثریتی معتقد به راه رشد سرمایه داری در ایران؟ سازمان اکثریتی که معتقد به یک جنبش جمهوری خواهی، دمکرات و لائیک، مستقل از قدرتهای جهانی است، یا سازمانی که در پی زدن نقبی به لایه های تصمیم گیری آمریکا و قدرتهای جهانی است؟ ممکن است بر این سوال خرده گرفته شود که اساس وحدت سازمانی بر برنامه و اساسنامه و اهداف سیاسی مصوبه کنگره سازمان متکی است و نه بر وجود گرایش نظری، که در هر سازمانی وجود دارد. این خرده گیری درست خواهد بود اگر ما با یک حزب سیاسی واحد روبرو بودیم. ولی تجربه همین چند سال گذشته نشان داد که مصوبات کنگره اکثریت مانع آن نشده تا گرایش همکاری با سلطنت طلبان، در دو کنفرانس برلین و لندن با اسم و رسم و نام و نشان «اکثریت» شرکت نکند، و یا گرایش دیگر در پی تماس و گفتگو با اصلاح طلبان جمهوری اسلامی نباشد. دوم آن که این وحدت طلبی با چه هدفی است؟ آیا برای اضافه کردن جناحی به جناحهای موجود؟ ظاهراً در حال حاضر «آنچه خوبان همه دارند» سازمان اکثریت تنها دارد!! آیا در پی تقویت یک جناح خاصی هستند؟ تجربه نشان داده که نیروی سیالی هم در سازمان اکثریت وجود دارد که بسته به شرائط روز و تحولات جامعه از این گرایش به آن گرایش جابجا می شود. با توجه به اینکه بسیاری از تغییرات سیاسی درون اکثریت نه از طریق بحث و تبادل نظر و اقتناع، که عمدتاً به دلیل تحولات بیرونی رخ داده است، در این شرائط هر تغییر جدیدی در جامعه می تواند بلافاصله به چرخش سیاسی در اکثریت بیانجامد.

اما اگر هدف از این وحدت طلبی بواقع شکل دادن به یک حزب چپ است، که در چارچوب یک استراتژی روشن در پی پیشبرد یک برنامه رادیکال برای تحول در جامعه ایران باشد، قبل از هر چیز سازمان اکثریت باید سیمای چنین چیزی را از خود نشان بدهد، سیمائی که فعلاً فاقد آن است.

سوم بهمن ۱۳۸۵ / ۲۳ ژانویه ۲۰۰۷

وجود دارد؟ یک جریان سیاسی جدی را نمی توان با شعار های زیبایی چون دمکراسی درون تشکیلاتی، تفاهم و تحمل، تنوع نظرات و ... سرگرم کرد. سیاست نه فقط عرصه نظر بلکه عرصه عمل، و هر اندیشه سیاسی در پی پراتیک است. مبارز سیاسی، عارف پاکبخته نیست که در صومعه ای به زیج نشیند. اختلاف نظر در احزاب سیاسی واقعی است و غیرقابل انکار و در عین حال مفید و مثبت برای برخورد عقاید و تصحیح نظرات، ولی تا زمانی که در یک چارچوب استراتژیک مشترک باقی بماند و تا موقعی که امکان عمل و اقدام را منتفی نسازد. اما اینگونه آشفتگی، تعارض و تضاد نظرات نه تنها مفید و مثبت برای رشد نظری در درون یک تشکیلات سیاسی نیستند، بلکه عامل ترمز و مانع پیشرفت نیز خواهند بود.

سازمان اکثریت در چند سال گذشته بیشتر به ارکستری می ماند که هر از چندگاهی رهبر آن عوض می شود و نوازندگان نیز بی توجه به رهبراکستر هر یک ساز خود را می زنند، ظاهرش شکل و شمایل ارکستر را دارد ولی نوایش چنان ناهماهنگ است که شنونده را از حضور در سالن اکثریت پشیمان می کند!!

به احتمال زیاد در پایان کنگره دهم سازمان اکثریت یک گرایش سیاسی موفق به کسب رای اکثریت شرکت کنندگان در کنگره خواهد شد. پرسشی که بلافاصله پیش خواهد آمد این است که گرایش متضاد آن پس از کنگره چه خواهند کرد و در صورت تداوم همزیستی مسالمت آمیز آنها در «سازمان واحد» اکثریت، کنگره فوق العاده بعدی کی برگزار خواهد شد؟

#### موخره

در غالب سندهای ارائه شده به کنگره از مسئله اتحاد و وحدت با دیگران سخن رفته است. در زمینه اتحاد های سیاسی مسئله به مصوبات کنگره بازخواهد گشت، اما در زمینه وحدت تشکیلاتی مسئله متفاوت است. در چند نوشته به شکل گیری «حزب فراگیر چپ» اشاره رفته و در اغلب آنها از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به عنوان نزدیکترین و دست به نقدترین سازمان برای شروع حزب فراگیر چپ نام برده شده است. بطور مثال:

«ما در پاسخ به ضرورت جنبش دموکراتیک و ساماندهی آینده جامعه بر پایه دمکراسی و عدالت اجتماعی، بر تشکیل حزب چپ، دمکرات، فراگیر و مدرن و همکاری نزدیک میان نیروهای چپ دمکرات تأکید داریم و آن را در دستور کار خود قرار می دهیم. شکل گیری چنین حزبی از یکسو نیازمند تبیین پایه های نظری و برنامه ای است و از سوی دیگر پیشبرد بحث و گفتگو و همکاری نزدیک» *بهرز خلیق*

«در این میان اساسی ترین و میرم ترین وظیفه نیروهای چپ پیش از آغاز این گفتمان های فراگیر، بدون سپری کردن زمان، نشستن بر سر میز مذاکره در جهت نیل به اتحاد چپ می باشد. البته در میان بعضی از نیروهای چپ، نشانه هایی از گام برداشتن این اتحاد عملاً مشاهده می شود. برای نمونه: ما این اتحاد را در نزدیکی خط و مشی دو سازمان فداییان (اکثریت)، سازمان اتحاد فداییان خلق، که نیروی عمده ی جنبش فدایی را تشکیل می دهند، مشاهده می کنیم؛ هرچند که این گام های ناکافی میبایستی که خیلی پیشتر از اینها و به شکل گسترده و با دیگر سازمان های چپ... نیز برداشته می شدند.» *علی اکبر حق پزوه و رفقا*

«ما شکل گیری یک حزب فراگیر چپ دموکرات و مدرن را که برای پیشبرد جنبش دموکراتیک و ساماندهی آینده جامعه بر پایه توسعه و عدالت اجتماعی نیازی است مبرم، در دستور کار جاری خود قرار می دهیم. ما دامن زدن به گفتمان چپ مدرن در جامعه، ارائه دیدگاه های